

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۱۹

۲۵ اسفند ۱۳۹۸ / ۱۵ مارس ۲۰۲۰

حقوق ما

فرزندخواندگی در
قوانین ایران



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده: مقاله و مشاوره حقوقی / سروناز رستگار: مصاحبه‌ها و گزارش‌ها

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

خط قرمز همه تصمیم‌ها در فرزندپذیری، حقوق کودک است
نه حقوق والدین فرزندپذیر

رویدادنگاری قانون حمایت از کودکان
بی‌سرپرست و بدسرپرست

فقه شیعه و چالش بر سر فرزندخواندگی

فرزند خواندگی در کنوانسیون حقوق کودک

ایرادهای حقوق بشری قانون سرپرستی کودکان در ایران

فرزند خواندگی در قوانین ایران

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست
و بدسرپرست

خط قرمز همه تصمیم‌ها در فرزندپذیری، حقوق کودک است نه حقوق والدین فرزندپذیر

مسعود سلطانی را بسیاری از کسانی که فرزندخوانده دارند یا می‌خواهند داشته باشند، می‌شناسند. او سال‌ها پیش تلاش برای قبول سرپرستی کودکی در ایران را آغاز کرد و با درگیر شدن در فراز و فرود قانونی این مسیر، سایت [فرزندخواندگی](#) را برای در اختیار گذاشتن تجربه‌های خود به دیگران راه‌اندازی کرد. مسعود سلطانی در گفت و گو با حقوق ما به نقاط ضعف و قوت قوانین مربوط به فرزندخواندگی در ایران پرداخته است:

قوانین مربوط به فرزندخواندگی سال‌ها مورد بحث و بررسی حقوق‌دانان و نمایندگان مجلس بوده؛ شما این قوانین را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سال ۱۳۸۳ یک تفاهم‌نامه همکاری بین سازمان بهزیستی کشور، معاونت اجتماعی و اداره کل امور اجتماعی قوه قضاییه منعقد شد. یکی از موارد تفاهم‌نامه، اصلاح و بازنگری قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ بود. بعد از آن کارگروه‌های مختلف در قوه قضاییه و سازمان بهزیستی کشور تشکیل شد. قضات عالی‌رتبه صاحب‌نظر و کارشناسان سازمان بهزیستی و متخصصان امور تعلیم و تربیت باهم کارگروه مشترکی را تشکیل دادند. بالاخره لایحه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در اسفند ۱۳۸۷ به مجلس ارائه شد.

هدف اصلاح قانون این بود که از یک طرف امکان فرزندپذیری را برای افراد بیشتری فراهم کند و از سوی دیگر امکان واگذاری

سرپرستی بچه‌های بیشتری فراهم شود.

این لایحه بعد از کش‌وقوس‌های فراوان و چندین بار رفت‌وبرگشت بین مجلس و شورای نگهبان در مهر ۱۳۹۲ نهایی شد. با تصویب قانون جدید مصوب ۱۳۹۲، هدف اول که گسترش دامنه فرزندپذیرها بود محقق شد. اما هدف دوم با تغییراتی که با نظر شورای نگهبان در آن اعمال شد، محقق نشده است.

در قانون مصوب ۱۳۵۳ تنها زن و شوهر بدون فرزند می‌توانستند تقاضای فرزندپذیری کنند اما در لایحه دولت، به زنان بدون شوهر و زن و شوهر دارای فرزند نیز اجازه تقاضای سرپرستی کودکان داده شد. با وجود مخالفت برخی نمایندگان مجلس، پیشنهاد دولت رای آورد. لازم به یادآوری است که زنان بدون شوهر تنها می‌توانند سرپرستی دختران را به عهده بگیرند. وسعت بخشیدن دامنه فرزندپذیری به زنان بدون شوهر و زن و مرد دارای فرزند از نکات مثبت قانون جدید فرزندخواندگی است. اکثر زن و شوهرهای فاقد فرزند، خواهان سرپرستی کودکان زیر یک سال هستند. تجربه بزرگ کردن نوزاد، پنهان کردن فرزندخواندگی از دیگران و ... از جمله دلایل این امر است. این رفتار خانواده‌های فرزندپذیر کودکان بسیاری را از تجربه زندگی در خانواده محروم کرده است. زنان شوهردار و زن و شوهر دارای فرزند، این دغدغه‌ها را ندارند و این موضوع برای کودکانی که هر ماه عمرشان به معنای از دست رفتن فرصت زندگی در خانواده است، امیدبخش است.

در مورد امکان واگذاری سرپرستی کودکان به خانواده‌های فرزندپذیر، دو تغییر در قانون جدید رخ داده است. اول این که حداکثر سن واگذاری سرپرستی کودکان از ۱۲ سال به ۱۶ سال افزایش یافت. هر چند ممکن است این افزایش سن در عمل چندان کاربردی نداشته باشد اما زمینه افزایش فرزندپذیری نوجوان‌ها را فراهم می‌کند. تغییر دوم کاهش مدت مهلت مراجعه پدر، مادر یا جد پدری در زمان سپردن کودک به بهزیستی از ۳ سال به ۲ سال است. با این تغییر یک سال زودتر امکان واگذاری سرپرستی بچه‌ها فراهم می‌شود.

اما این دو تغییر با افزایش قدرت ولی قهری با تغییرات مورد نظر شورای نگهبان تا حدی زیادی بی‌اثر شده است. و این که بر خلاف ادعاهایی که بارها مسئولان بهزیستی در گفته‌هایشان تکرار کرده‌اند، زمینه واگذاری سرپرستی دائم کودکان بدسرپرست، حتی با وجود عدم مراجعه ولی قهری‌اش پس از دو سال ممکن نیست. در قانون آمده است که دادگاه می‌تواند با رعایت مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۷ قانون مدنی سرپرستی موقت کودک بدسرپرست را واگذار کند. حتی دامنه قدرت ولی قهری را آن قدر گسترش داده است که اگر پس از واگذاری سرپرستی هم پیدایش بشود، دادگاه در

صورتی که مفسده «مهمی» کودک را «تهدید» نکند، کودک را به او می‌دهد. چنین شرایطی در عمل واگذاری سرپرستی کودکان بدسرپرست را بر خلاف ادعاها تسهیل نکرده است.

کارشناسان مسائل اجتماعی معتقدند که داشتن قانون خوب کافی نیست بلکه این قوانین باید دارای ضمانت اجرایی هم باشند. آیا قوانین فرزندخواندگی از این ضمانت‌ها برخوردار است؟

قانون خوب کافی نیست اما لازم است. در همین قانون مصوب ۱۳۹۲، زوجها حتی با مرگ همسران‌شان ضربه‌ای مضاعف می‌خورند. طبق ماده ۲۰ قانون جدید در صورت فوت، زندگی مستقل (جدایی) و یا وقوع طلاق، سازمان بهزیستی می‌تواند درخواست کند که کودک به یکی از زوجها یا شخص ثالث سپرده شود.

به عبارت دیگر پس از طلاق یا جدایی، سازمان بهزیستی در خصوص سرپرستی کودک تصمیم می‌گیرد و دادگاه بر مبنای نظر این سازمان رای می‌دهد. خوشبختانه این قانون بد، خوب اجرا نمی‌شود!

فکر کنید اگر این قانون ضمانت اجرایی کامل داشت و خوب اجرا می‌شد، چقدر به خانواده‌های فرزندپذیر آسیب می‌زد. همین الان هم قانون مثل شمشیر داموکلس بالای سر خانواده‌های فرزندپذیر است، حالا شمشیر را پایین نمی‌آورند، دلهره‌اش که هست. این نگرانی وجود دارد که این قسمت‌های بد قانون ضمانت اجرایی پیدا کند در حالی که بخش‌هایی که اندک حمایتی از خانواده‌های فرزندپذیر کرده است، نیم‌بند اجرا می‌شوند.

احتمالا منظورتان استفاده از مرخصی زایمان برای مادران فرزندپذیر است؟

دقیقا، قانون‌گذار گفته اگر کودکی زیر سه سال به فرزندگی گرفته شد و مادرش شاغل بود، می‌تواند از مرخصی مراقبت از کودک معادل مرخصی زایمان استفاده کند. دو سال سازمان تامین اجتماعی زیر بار نمی‌رفت و با وجود تصریح قانون آن را قبول نمی‌کرد تا بالاخره با شکایت یکی از مادران فرزندپذیر و دو سال دوندگی‌اش دیوان عدالت اداری علیه تامین اجتماعی رای داد. اما مرخصی مراقبت از کودک مادران فرزندپذیر به جای شش ماه معمول، فقط ۸۴ روز است.

دلیلش همین ضمانت اجرای قانون است. طبق قانون کار، مرخصی زایمان ۱۲ هفته معادل ۸۴ روز است. در قانون‌های بعدی مرخصی زایمان با عنوان مرخصی شیردهی به ۶ ماه افزایش یافته است. همین بهانه شده است که معادل مرخصی زایمان می‌شود ۸۴ روز.

نامش کردید یا چقدر باید به نامش بکنیم؟ ممکن است در موارد استثنایی یک قاضی چنین درخواستی را بکند اما رویه نیست.

این که در صورت ازدواج مادرخوانده، تصمیم‌گیری برای ادامه زندگی فرزند با او به عهده بهزیستی گذاشته شده است را چقدر مفید می‌دانید؟

در قانون گفته که در صورتی که مادر مجردی که دختری را به فرزندی گرفته است، ازدواج کند بهزیستی باید گزارش آن را به دادگاه بدهد تا وجود شرایط سرپرستی مرد را احراز کند و نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک تصمیم‌گیری نماید.

اگر مرد شرایط لازم را نداشته باشد و مادر هم اصرار بر ازدواج با وی را داشته باشد، سرپرستی مادر فسخ و کودک به بهزیستی بازمی‌گردد. طبیعی است مردی که قرار است پدر کودک بشود، صلاحیت‌های لازم را داشته باشد و اگر نداشت، برای مثال سوءپیشینه داشت یا معتاد بود، سرپرستی مادر در صورت اصرار بر ازدواج با وی لغو شود. درست است که لغو سرپرستی کودک برای مادر دشوار است و ضربه عاطفی سنگینی به او وارد می‌کند اما خط قرمز همه تصمیم‌ها در فرزندپذیری، حقوق کودک است نه حقوق مادر و پدر فرزندپذیر.

به این ترتیب به نظر شما قوانین فرزندخواندگی می‌تواند امنیت لازم را برای کودکی به سرپرستی پذیرفته می‌شود، فراهم کند؟

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست که به قانون فرزندخواندگی موسوم است، درباره شرایط و صلاحیت‌های لازم خانواده‌های فرزندپذیر، شرایط واگذاری سرپرستی کودکان و رویه‌های اجرایی فرزندپذیری است. بهزیستی با بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌های روانشناختی تلاش می‌کند که نسبت به آمادگی ذهنی و شرایط اقتصادی و ثبات زندگی آگاهی بیابد و کودک به خانواده‌ای بیاید که شرایط مناسبی داشته باشد. دادگاه نیز بر مبنای گزارش‌های بهزیستی و مراجع دیگر صلاحیت خانواده‌ها را تایید می‌کند. ممکن است که بهزیستی در ارزیابی‌هایش خطا کند اما قانون فرزندخواندگی درباره امنیت بچه‌ها نیست.

همه بچه‌ها باید امنیت داشته باشند. بچه‌های زیستی هم امنیت می‌خواهند. کسانی که فرزند زیستی دارند، همین مسیر تعیین صلاحیت را - حتی اگر بگوییم ناقص و پر خطاست - ندارند. امنیت بچه‌ها را باید قوانین حمایتی دیگر تامین کند، قوانینی که حامی حقوق کودکان باشند؛ فارغ از این که کودک، فرزند زیستی باشد فرزندخوانده.



است که نمی‌توانند وصیت کنند و به فرزندشان نمی‌رسد. البته افسانه‌ای در جامعه رواج دارد که هر خانواده فرزندپذیر دست‌کم ده باری در معرض قرار گرفته است و از او پرسیده‌اند چیزی به

حالا اگر بروید از تک‌تک نمایندگان که در سال ۱۳۹۲ به این قانون رای دادند، بپرسید مرخصی زایمان چقدر است همه‌شان می‌گویند ۶ ماه. روح‌شان هم خبر ندارد که بقیه‌اش از ۸۴ روز تا ۶ ماه مرخصی شیردهی است. اینها همان ضمانت اجرایی قانون است که به زیان خانواده‌های فرزندپذیر است.

جای دیگری قانون می‌گوید کودک به محض صدور حکم سرپرستی موقت از مزایای بیمه پدرومادرش برخوردار است. اما کودک در این دوره شناسنامه‌ای ندارد که بتواند احراز هویت بشود تا دفترچه بیمه بگیرد. شش سال از تصویب قانون گذشته است اما کسی برای این موضوع فکری نکرده است. گفته می‌شود چند ماهی است که به کودکان در دوره سرپرستی موقت، شناسنامه‌ای موقت هم می‌دهند. شاید این شناسنامه بتواند راهی برای گرفتن دفترچه بیمه باز کند. اما اگر هم بشود، شش سال بعد از تصویب قانون است.

مساله ارث هم از مسائل مهم فقه شیعه است. کارشناسان می‌گویند در قانون مصوب سال ۱۳۹۲ نوآوری‌هایی در این زمینه صورت گرفته؟

در مبانی اسلام، فرزندخوانده نمی‌تواند در جایگاه فرزند واقعی فرد قرار بگیرد. بر همین مبنا، قانون هم محدودیت‌هایی را در نظر گرفته است از جمله تصمیم قاضی برای تخصیص بخشی از اموال والدین به فرزندخوانده.

اول این که فرزندان خانواده‌های فرزندپذیر، فرزند واقعی آنها هستند. بهتر است بگوییم در مبانی اسلام فرزندخوانده نمی‌تواند در جایگاه فرزند زیستی (بیولوژیک) فرد قرار بگیرد. این موضوع یک چالش جدی در زمینه ارث برای خانواده‌های فرزندپذیر و برای بهزیستی ایجاد می‌کند که چگونه اطمینان بیابد آینده اقتصادی بچه به خطر نمی‌افتد. بهزیستی که نمی‌تواند تمام وراثت احتمالی پدر و مادر فرزندپذیر را ارزیابی کند یا از تصمیم‌های آنها در سال‌های دور مطمئن بشود. به طور معمول، برای جبران این نقیصه بزرگ تعهدی مالی در محضر از پدر و مادر فرزندپذیر می‌گیرند که در آن تعهد می‌کنند خودشان را به نفع فرزندشان بیمه عمر بکنند، حساب پس‌اندازی برای آتیه فرزندشان باز کنند و وصیت کنند یک‌سوم اموال‌شان بعد از مرگ‌شان به فرزندشان برسد.

یک‌سوم هم به این دلیل است که طبق موازین فقهی و قانونی امکان وصیت مازاد بر یک‌سوم اموال وجود ندارد. اینها برای ضمانت آینده بچه در شرایطی است که هیچ ارثی به فرزندخوانده تعلق نمی‌گیرد.

آیا این شرایط محدودیتی ایجاد می‌کند؟

به نظر من خیر. مگر اموال همه پدر و مادرها به فرزندانشان نمی‌رسد. اتفاقاً نگرانی خانواده‌های فرزندپذیر دوسوم دیگر اموال



رویدادنگاری قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست

۴ اسفند ۱۳۸۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست به مجلس ارائه شد.

لایحه جدید، بر خلاف قانون مصوب ۱۳۵۳، به زنان مجرد بالای ۳۰ سال و خانواده‌هایی که فرزند داشتند، در اولییتی بعد از خانواده‌های بدون فرزند، اجازه درخواست سرپرستی می‌داد.

نکته مثبت دیگر این لایحه نیز افزایش سن کودکان برای واگذاری سرپرستی از ۱۲ سال به ۱۵ سال بود. علاوه بر این، امکان واگذاری سرپرستی کودکان بدسرپرست نیز با این لایحه فراهم می‌شد.

موضوع جنجال‌برانگیز ازدواج فرزندخوانده و سرپرست نیز در این لایحه مطرح شده بود و در ماده ۲۴ آن آمده بود که «ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان تحت سرپرستی وی با فردی که قبلاً تحت سرپرستی او بوده و ثبت واقعه آن، منوط به اجازه دادگاه خانواده و نظر کارشناسی سازمان است.»

رویدادنگاری (کرونولوژی) تصویب این قانون می‌تواند به درک بهتری از وضعیت فرزندخواندگی در ایران کمک کند:

۵ - اسفند ۱۳۸۷: اعلام وصول لایحه در مجلس

۱۷ اسفند ۱۳۸۷: چاپ لایحه در مجلس به همراه سوابق قانونی آن

۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸: از نظر کمیسیون اجتماعی شمول دایره سرپرستی به زنان مجرد باعث تضعیف سنت ازدواج می‌شود و واگذاری سرپرستی کودک به زن و مرد دارای فرزند نیز ممکن است باعث تبعیض بین فرزندان شود. از این رو بهتر است واگذاری تنها محدود به زن و مرد ایرانی متاهل با عقد دائم ساکن ایران بشود و ایرانیان ساکن خارج از ایران نیز به دلیل عدم امکان نظارت سازمان بر آنها از شمول سرپرستی خارج شوند. در خصوص ماده ۲۴ درباره ازدواج سرپرست و کودک تحت سرپرستی نیز به دلیل نادر بودن و ناسازگاری با اخلاق عمومی حذف این ماده و واگذار کردن آن به قواعد عمومی را به مصلحت می‌داند.

۷ مرداد ۱۳۸۸: مصوبه کمیسیون اجتماعی بر خلاف گزارش ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸، دایره شمول سرپرستی را تغییر نمی‌دهد؛ اما ماده ۲۴ حذف می‌شود و جایی در مصوبه کمیسیون اجتماعی ندارد.

۳- شهریور ۱۳۸۸: گزارش مرکز پژوهش‌ها درباره لایحه منتشر می‌شود. این گزارش متاثر از گزارش کمیسیون اجتماعی در اردیبهشت ۱۳۸۸ است و خواهان محدود کردن سرپرستی به زن و مرد متاهل بدون فرزند ساکن ایران است؛ اما در خصوص ماده ۲۴ و ازدواج سرپرست و فرزندخوانده نظری ابراز نکرده است.

۷- مهر ۱۳۸۸: محمد کاظم حجازی، نماینده همدان، پیشنهاد اضافه کردن تبصره‌ای را داد که ازدواج سرپرست و طفل تحت سرپرستی را در دوران حضانت و پس از آن ممنوع می‌کند.

۱۵- مهر ۱۳۸۸: در مصوبه مجلس، سن کودک و نوجوان برای واگذاری سرپرستی به ۱۶ سال افزایش می‌یابد. این امر به دلیل نظر کمیسیون بهداشت و درمان برای افزایش سن کودک برای واگذاری سرپرستی به ۱۸ سال انجام می‌گیرد. تبصره پیشنهادی محمدکاظم حجازی مبنی بر ممنوعیت ازدواج سرپرست و کودک تحت سرپرستی نیز رای می‌آورد.

۲۱- مهر ۱۳۸۸: ارسال مصوبه به شورای نگهبان.

۳۰- مهر ۱۳۸۸: شورای نگهبان به دلیل کمبود وقت خواستار

استمهال، وقت بیشتر برای رسیدگی، می‌شود.

۱۱- آبان ۱۳۸۸: شورای نگهبان طی نامه‌ای به مجلس اعلام می‌کند که این مصوبه ایرادهای فراوانی دارد. اما نکته مهم‌تر این است که ولایت کودکان فاقد سرپرست با ولی فقیه است و تصویب چنین قانونی نیازمند اذن ایشان است. شورای نگهبان اظهارنظر در خصوص مصوبه مجلس را منوط به روشن شدن وضعیت اذن رهبری در این خصوص می‌داند.

۲۶- آبان ۱۳۸۸: مرکز پژوهش‌ها برای رفع ایراد شورای نگهبان چهار پیشنهاد ارائه می‌کند. راه اول این است که در متن قانون بیاید که بنا به اذن عام رهبری به محاکم دادگستری، دادگاه می‌تواند حکم سرپرستی صادر کند. راه دوم، اضافه کردن ماده‌ای به قانون است که اجرای آن را به اذن رهبری منوط بداند. سومین راه ارسال نامه‌ای به رهبری و استیذان از ایشان است. راه چهارم نیز مسکوت گذاشتن قانون و اصلاح موردی قانون قبلی است.

۷- بهمن ۱۳۸۸: کمیسیون اجتماعی برای رفع ایراد شورای نگهبان عبارت «با اذن مقام معظم رهبری» را به ماده ۱ اضافه

می‌کند.

۹ - اسفند ۱۳۸۸: مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان می‌دارد برای حل ایراد شورای نگهبان دو راه متصور است: استیذان از رهبری و گنجاندن عبارتی در متن قانون که اجرای آن را منوط به اجازه ایشان کند. کمیسیون اجتماعی راه دوم را برگزیده است که اشکال دارد و اگر پس از تصویب از نظر ایشان اصلاح بخواهد موجب شبهه خواهد شد.

۱۹ - اسفند ۱۳۸۸: مجلس با اصلاح پیشنهادی کمیسیون اجتماعی، مصوبه را تصویب و به شورای نگهبان ارجاع می‌کند.

۲۶ - اسفند ۱۳۸۸: شورای نگهبان در پاسخی کوتاه بر باقی ماندن ایراد قبلی تاکید می‌کند.

۲۴- دی ۱۳۹۰: اجازه رهبری برای ورود به موضوع سرپرستی کودکان و نوجوانان بدون سرپرست و بدسرپرست.

۵ - اردیبهشت ۱۳۹۱: پس از مسکوت ماندن دو ساله لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بدون سرپرست و بدسرپرست، مجلس طی نامه‌ای با توجه به موافقت رهبری برای تصویب این قانون، مصوبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ مجلس را مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌کند.

۱۶ - اردیبهشت ۱۳۹۱: شورای نگهبان به دلیل کمبود زمان برای رسیدگی درخواست استمهال می‌کند.

۲۸ - اردیبهشت ۱۳۹۱: شورای نگهبان درخواست طی روال قانونی و طرح مجدد قانون در مجلس برای رفع ایراد شورای نگهبان را می‌کند.

۱۱ - تیر ۱۳۹۱: مرکز پژوهش‌های مجلس برای رفع ایراد شورای نگهبان پیشنهاد طرح آن در مجلس و تصویب مجدد مصوبه مجلس در ۱۵ مهر ۱۳۸۸ را دارد.

۱۲ - تیر ۱۳۹۱: کمیسیون اجتماعی نیز همانند مرکز پژوهش‌ها به تصویب مجدد مصوبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ رای می‌دهد.

۲۸ - تیر ۱۳۹۱: کمیسیون اجتماعی ماده ۳۷ را به دلیل برخی ابهام‌ها اصلاح می‌کند.

۱- مرداد ۱۳۹۱: مجلس با اصلاح ماده ۳۷ مورد نظر کمیسیون اجتماعی، آن را تصویب می‌کند و در ۴ مرداد ۱۳۹۱ آن را به شورای نگهبان ارجاع می‌دهد.

۱۲ - مرداد ۱۳۹۱: شورای نگهبان به دلیل کمبود زمان برای رسیدگی تقاضای استمهال می‌کند.

۲۵ - مرداد ۱۳۹۱: شورای نگهبان ۲۳ ایراد از مصوبه مجلس می‌گیرد که مهم‌ترین آنها در ادامه فهرست شده است:

- سرپرست باید به انجام واجبات و ترک محرمات تقید داشته باشد.

- شرایط برای واگذاری سرپرستی کودک محدودتر می‌شود. عدم امکان شناخت پدر و جد پدری به جای شناخته نشدن آنها می‌آید. وجود وصی هم‌عرض پدر قرار می‌گیرد. غبطه کودک نیز عاملی برای واگذاری سرپرستی کودک نیست و می‌توان با گرفتن امین مشکل را حل کرد.

- ممنوعیت ازدواج سرپرست و کودک تحت سرپرستی را خلاف شرع می‌داند.

- ایرادهای دیگر بسیار کلی است و یا عنوان می‌شود که پس از رفع ابهام اظهار نظر می‌شود.

۱۳- آبان ۱۳۹۱: مرکز پژوهش‌ها برای رفع ایرادهای ۲۳گانه شورای نگهبان، تغییرات بسیاری را در قانون مصوب مجلس پیشنهاد می‌کند. این تغییرات روح لایحه را از بین می‌برد. دایره شمول واگذاری سرپرستی به شدت محدود می‌شود و حتی از قانون مصوب ۱۳۵۳ نیز کمتر می‌شود. شرایط گرفتن سرپرستی نیز سخت‌تر شده است. در خصوص تبصره ممنوعیت ازدواج سرپرست و فرزندخوانده نیز آن را ناممکن نمی‌داند و با اجازه دادگاه آن را مجاز می‌شمرد.

۲۳ - آبان ۱۳۹۱: کمیسیون اجتماعی نیز همانند مرکز پژوهش‌ها تغییرات مورد نظر شورای نگهبان را در قانون می‌دهد. این گزارش در ۱۴ بهمن ۱۳۹۱ چاپ شده است.

۲۹ - بهمن ۱۳۹۱: کمیسیون اجتماعی با توجه به گزارش مرکز پژوهش‌ها و ارجاع مجلس برای بررسی برخی مواد این قانون، نظر خود را اعلام می‌کند.

۲۳ - بهمن ۱۳۹۱: مرکز پژوهش‌ها با توجه به گزارش کمیسیون اجتماعی درباره رفع ایرادهای شورای نگهبان، گزارشی برای طرح در مجلس تهیه می‌کند. با توجه به شباهت گزارش کمیسیون اجتماعی و مرکز پژوهش‌ها، تغییر چندانی در گزارش کمیسیون اجتماعی داده نمی‌شود.

۱ - اسفند ۱۳۹۱: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست با تغییرات بسیار در صحن مجلس تصویب می‌شود. بیشتر تغییرات مورد نظر شورای نگهبان در قانون لحاظ می‌شود. دایره شمول کودکانی که سرپرستی آنها قابل واگذاری است محدود می‌شود. ازدواج سرپرست و فرزندخوانده با اجازه دادگاه ممکن می‌شود. مقرر می‌شود در شناسنامه کودکانی که والدین‌شان مشخص است، نام والدین آنها قید شود.

۱۶ - اسفند ۱۳۹۱: با وجود تغییرات فراوان قانون، شورای نگهبان پنج ایراد از مصوبه یکم اسفند ۱۳۹۱ مجلس می‌گیرد. مهم‌ترین این ایرادها تاکید شورای نگهبان بر درج فرزندخوانده بودن کودک در شناسنامه وی است. سایر ایرادها به عنوان کردن وصی در عرض پدر و جد پدری در مواد و تبصره‌هایی است که جا افتاده است. از نظر شورای نگهبان با رفع ممنوعیت ازدواج سرپرست و فرزندخوانده با اجازه دادگاه این موضوع حل شده است.

۲ - اردیبهشت ۱۳۹۲: کمیسیون اجتماعی برای رفع ایراد شورای نگهبان توصیه می‌کند که درج فرزندخوانده بودن کودک در توضیحات شناسنامه وی و همچنین شناسنامه پدر و مادر در یکی از مواد قانونی بیاید.

۱۸ - اردیبهشت ۱۳۹۲: مجلس تغییرات مورد نظر کمیسیون

اجتماعی را تصویب می‌کند و درج فرزندخوانده بودن کودک در شناسنامه کودک و والدین وی اجباری می‌شود.

۳۰ - اردیبهشت ۱۳۹۲: شورای نگهبان همچنان بر مصوبه مجلس ایراد می‌گیرد و القای فرزند اصلی بودن فرزندخوانده را خلاف شرع می‌داند.

۱۵- تیر ۱۳۹۲: کمیسیون اجتماعی با تغییراتی در ماده ۲۲ قانون، بر درج نام پدر و مادر واقعی، زیستی، فرزندخوانده در صورت مشخص بودن تاکید می‌کند.

۲۷ - شهریور ۱۳۹۲: در متن جایگزین برای طرح در صحن مجلس، تبصره ۲ ماده ۲۲ نیز تغییر می‌کند و به کودک تحت سرپرستی اجازه داده می‌شود که پس از ۱۸ سالگی به نام پدر و مادر واقعی در صورت مشخص بودن یا هر نام دیگری که بخواهد (در صورت نامشخص بودن پدر و مادر) برای خودش شناسنامه بگیرد.

۳۱- شهریور ۱۳۹۳: تغییرات مورد نظر کمیسیون اجتماعی در صحن مجلس تصویب می‌شود.

۱۰ - مهر ۱۳۹۲: شورای نگهبان مصوبه مجلس را مخالف شرع و قانون اساسی تشخیص نمی‌دهد.

۲۱ - مهر ۱۳۹۲: دولت قانون جدید را ابلاغ می‌کند و در روزنامه رسمی چاپ می‌شود.

۲۰- تیر ۱۳۹۲: آیین‌نامه اجرایی قانون در هیات وزیران تصویب و ابلاغ می‌شود.

۲۱- تیر ۱۳۹۴: آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۲، صدور شناسنامه، در هیات وزیران تصویب و ابلاغ می‌شود.

منبع:

<http://www.salamatnews.com/>
[/164424/news](http://www.salamatnews.com/164424/news)

فقه شیعه و چالش بر سر فرزندخواندگی

در مبانی اسلامی «فرزندخواندگی یا تبنی» آن است که کس دیگری را که فرزند نَسَبی او نیست، به فرزندى بپذیرد. فرزند خواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، نوعی قرابت ایجاد می‌کند، قرابتی که براساس قوانین اسلامی صرفاً حقوقی است نه طبیعی.

بدین ترتیب با توجه به مقررات اسلام، در حقوق ایران نهادی به عنوان فرزند خواندگی به این مفهوم که فرزند خوانده از هر حیث در حکم فرزند واقعی باشد و از آثار رابطه بنوت بهره‌مند شود، وجود ندارد. این در حالی است که دین‌پژوهان معتقدند که در قرآن به فرزند خواندگی از زمان یعقوب تا محمد پرداخته شده است. از جمله در سوره یوسف آیه ۲۱ آمده است: «و عزیز مصر که او را خریداری کرد به زن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار که این غلام امید است به ما نفع بسیار بخشد یا او را به فرزندى برگیریم. و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را از علم تعبیر خواب‌ها بیاموزیم، و خدا بر کار خود غالب است ولی بسیاری مردم (بر این حقیقت) آگه نیستند.»

در سوره قصص، آیه ۸ نیز از پذیرفتن موسی به فرزندى از سوی آسیه، همسر فرعون اشاره شده است: «به اهل بیت فرعون (آسیه) موسی را (از دریا) بر گرفت تا در نتیجه دشمن و مایه اندوه آل فرعون شود (و به مشیت خدا فرعون دشمن بزرگ خود موسی را به دامان بپرورد) که همانا فرعون و هامان و لشکریانشان بسیار نادان و خطاکار بودند.»

مرتضی رحیمی، اسلام‌پژوه در ایران در مقاله **فرزندخواندگی در آینه اسلام**^۱ می‌نویسد: «آیات قرآن نشان دهنده آن هستند که پیش از ظهور اسلام در محیط عربستان فرزندخواندگی امری متداول و رایج بوده است، علت رواج فرزند خواندگی در زمان مزبور آن بوده که قوام و بقای جامعه و خانواده به مردان و اولاد ذکور

قانونی خود به حساب می‌آوردند، و به او ارث می‌دادند و از او ارث می‌بردند، و تمامی آثار فرزند صلبی را در مورد او مترتب و جاری می‌کردند. و وقتی مردی از این اقوام یقین می‌کرد که عقیم است و هرگز بچه‌دار نمی‌شود، دست به دامن یکی از نزدیکان خود از قبیل: برادر و برادرزاده می‌شد، و او را به بستر همسر خود می‌برد تا با او جماع کند، و از این جماع فرزندى حاصل شد، و او آن فرزند را فرزند خود بخواند و خاندان او باقی بماند.»

به نوشته مرتضی رحیمی «فرزند خوانده‌ها تا پیش از اسلام، از تمام حقوق فرزندان حقیقی، از جمله ارث برخوردار بودند، چه آن که در زمان جاهلیت مردم از سه طریق از یکدیگر ارث می‌بردند که عبارت بودند از:

- نسب که در اولاد مذکر و جنگجویان مرد منحصر بود و از این رو زنان و کودکان از ارث محروم می‌شدند.

-از طریق فرزندخواندگی، یعنی به فرزندى گرفتن فرزندان دیگران، که صیغه‌ای شیبه عهد و سوگند (ولاء) داشته است.

-از طریق عهد و سوگند که از آن به ولاء تعبیر می‌شد، به گونه‌ای که فردی به شخص دیگر در حالی که دست یکدیگر را گرفته بودند می‌گفت: «دمی دمک و هدمی هدمک و ناری نارک و حربی حربک و سلمی سلمک و ترثنی و ارثک و تطلب بی و اطلب بک و تعقل عنی و اعقل عنک» پس از آن فرد هم پیمان به مقدار یک ششم از میراث هم‌پیمان خود ارث می‌برد.»

اما آن‌گونه که **محمد جواد اکبرین**، دین‌پژوه ساکن فرانسه به حقوق ما می‌گوید مبنای نسب در کتاب و سنت فقط از طریق ولادت و خون است: «در اسلام کسی که از طریق ولادت یا خون به دیگری منسوب نباشد، نمی‌تواند فرزند وی محسوب شود. حالا اگر محسوب شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مشکلاتی که پیش می‌آید، اولین آن مساله مالی و ارث است زیرا آن چارچوبی که برای میراث گذاشته شده خدشه‌دار می‌شود. مساله دوم محرمیت است و قوانینی که در اسلام برای محارم وجود دارد ، حاشیه‌های بعدی مثل ادامه یا قطع ارتباط با پدر و مادر سابق فردی که به فرزندى پذیرفته شده نیز وجود دارد. علاوه بر اینها در صورت ازدواج دختری که به فرزندى قبول شده، تکلیف اذن پدر چه خواهد شد؟ بدین ترتیب ساختمان قدیمی شریعت، اجازه پاسخ به این نیازجدید را نمی‌دهد. حتی اگر در بعضی از این موارد مثل ارث بتوانیم با استناد به آیه ۳۳ سوره نسا مساله را حل کنیم. آنجایی که اشاره می‌کند "کسانی که شما قسم خوردید که مراقبشان باشید، بی‌سرپرستند، سرپرستان باشید" آنجا اگر بتوان مساله را حل کرد و براساس آن عهد، فرزند خوانده را هم در فهرست وراث آورد ولی باز هم موضوع فرزند خواندگی او نیست، شما می‌توانید هر کسی را که بخواهید، سهمی از ارث را برای او تعریف کنید.»

با نگاهی به تاریخ مشخص می‌شود که در هنگام ظهور اسلام فرزند

خواندگی امری متداول و رایج بوده به گونه‌ای که مسلمانان برخی از یتیمان را به فرزندى گرفته و با ایشان همانند فرزندانشان رفتار می‌کردند. اما با نزول آیات مربوط به فرزند خواندگی جاری شدن قوانین مربوط به فرزندان حقیقی در خصوص فرزند خوانده ها لغو شد.

آن‌گونه که مرتضی رحیمی می‌نویسد آیاتی که در خصوص فرزندان خواندگی در زمان اسلام سخن می‌گویند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف- آیاتی که در آن ها از انتساب فرزندان به غیر پدرانشان نهی می‌کنند:

(... و ما جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ. ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَفُوراً رَحِيماً). (احزاب، آیه ۵)

ب- آیاتی که از عدم شمول ارث برای فرزند خوانده‌ها سخن می‌گویند:

التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفاً كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً. (احزاب، آیه ۶)

ج- آیاتی که به لحاظ محبت، فرزند خواندگی را نفی می‌کنند: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب، آیه ۴) «خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده است.»

د- آیاتی که فرزند خواندگی را موجب محرومیت و مصاهرت نمی‌دانند:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بنَاتُ الْأَخِ وَ بنَاتُ الْأَخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنْ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ.» (نساء، آیه ۲۳)

حرام شد بر شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمّه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید پس اگر دخول با زن نکرده طلاق دهید باکی نیست که با دخترش ازدواج کنید، و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی (نه زن پسرخوانده) شما.

فقه جدید و مسایل فرزند خواندگی

به گفته محمد جواد اکبرین، فقها مسایل دیگری جز آیات قرآن را هم مطرح کرده‌اند. از جمله برخی فقها گفته‌اند که اگر فرزند

^۲ المیزان في تفسير القرآن، طباطبائي، محمد حسين، دفتر انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.



خوانده بتواند از مادر جدید خود شیر بخورد، محرم او خواهد شد. این هم حکمی شرعی است و هر کودکی که از زنی شیر بخورد، محرم او می‌شود و ربطی به ماجرای فرزند خواندگی ندارد. بدین ترتیب تنها با استفاده از چند نکته متفاوت و کنار هم قرار دادن آنها می‌توان شکلی شرعی به فرزند خواندگی داد.

فرزندخواندگی و جزئیات آن از چنان پیچیدگی‌های فقهی برخوردار است که سبب شده فقها آرای متفاوتی در مورد آن ارائه دهند. به عنوان نمونه در برابر یک پرسش واحد در مورد «تحوه محرمیت دختر یا پسری که از پرورشگاه می‌آورند به پدرخوانده و یا مادرخوانده در صورتی که ولی او مشخص نباشد و یا فوت کرده باشد، در صورتی که کودک زیر دو سال است و زنی که با شیر دادن او ایجاد محرمیت نماید، در فامیل نباشد و یا اگر بالای دو سال است چگونه است؟» پاسخ‌ها کاملاً متفاوت است.

روح‌الله خمینی در پاسخ به این سوال پاسخ داده: «راهی برای محرمیت نیست مگر آنکه بچه اگر پسر باشد بعد از بلوغ شرعی با ازدواج محرم شوند. (در صورتی که در منزل پدرخوانده، فرزندی از خودشان موجود باشد.) و قبل از بلوغ، اگر ولی ندارد راهی برای محرم شدن با عقد نیست.»

محمدتقی بهجت اما معتقد است که «محرم نیستند و راهی ندارد مگر در بعض موارد نادره به مصاهره.»

موسی شبیری زنجانی ازدواج را راه حل محرمیت دانسته: «فرزند پرورشگاهی اگر دختر باشد به وسیله ازدواج خود پدرخوانده و یا پدر و جد و پسر و نوه (پدر بی‌واسطه و باواسطه و پسر بی‌واسطه و باواسطه) پدرخوانده او به وی محرم می‌شود و اگر پسر باشد، با ازدواج خود مادرخوانده و یا دختر بی‌واسطه یا باواسطه‌اش با وی محرم خواهد شد. البته ازدواج مزبور باید با اذن یا اجازه حاکم شرع باشد.»

حسین نوری همدانی، نه ازدواج که صیغه را راه حل مساله دانسته و گفته است: «در صورتی که دختر باشد و سرپرست خانواده پدر یا جد داشته و آن دختر را متعه نماید، او با اجازه حاکم شرع به سرپرست خانواده محرم می‌شود.»

لطف‌الله صافی گلپایگانی اما تنها ازدواج را برای فرزند دختر مجاز می‌داند: «در صورت مذکوره اگر طفل دختر باشد و مرد پدر داشته باشد، در صورتی که حاکم شرع مصلحت طفل بداند، می‌تواند به عقد انقطاعی او را به ازدواج پدر مرد در بیاورد که دختر به آن مرد محرم می‌شود و اگر طفل پسر باشد، راهی بنظر نمی‌رسد. والله العالم»

ناصر مکارم شیرازی از معدود فقهای است که نظر خود را تغییر داد. او در ابتدا گفته بود: «در صورتی که دختر باشد، راه صحیح این است که با اجازه حاکم شرع او را برای پدر آن مرد عقد موقت کنند و در این صورت به عنوان زن پدر بر آن مرد محرم می‌شود

و اگر پسر باشد، راهی جز شیر خوردن از خواهر زن یا مادر زن و مانند آن در سن قبل از دو سالگی ندارد.»

در سال ۱۳۹۲ اما وی حکم بر جواز نبودن ازدواج داد: «با توجه به این‌که این ازدواج باید شرعاً به مصلحت فرزند خوانده باشد و به اصطلاح فقها، غبطه او رعایت شود و این کار غالباً به مصلحت فرزند خوانده نیست و راه را برای سوء استفاده پدر خوانده باز می‌کند از نظر ما شرعاً جایز نیست.»

در این میان یوسف صانعی از شیوه‌ای یک سر متفاوت برای پاسخ دادن به این سوال استفاده کرده و گفته است: «اگر دختری نداشته باشند برای محرمیت این گونه پسرخوانده‌ها که سن آنها از ایام رضاع و دو سالگی گذشته و شرایط رضاع از بین رفته راهی برای محرمیت به نظر نمی‌رسد؛ لکن چون این گونه اعمال که جزء اعمال بر و احسان و نیکی به دیگران مخصوصاً کودکان بی پناه و یتیم و سرگردان می‌باشد مستحب و مطلوب و موجب اجر اخروی و سعادت در دنیا است و از نظر حرمت نگاه کردن و نامحرم بودن بعد از تمیز و بلوغ به حکم ضرورت و مشکل نداشتن فرزند و مشکل گفتن به کودک که تو پدر و مادر نداری و فرزند ما نیستی مرتفع می‌گردد و جایز می‌باشد و حرج و مشقت رافع حرمت است و اسلام

دین سهولت و آسانی می‌باشد.»

هر چند یوسف صانعی به دلیل فتاوی‌ای از این دست با اتهام **بدعت در دین**^۱ روبه‌رو شد، اما او همچنان تنها فقیهی است که فرزند خواندگی را به رسمیت شناخته و گفته که شامل تمام حقوق و منافع می‌شود که فرزند نسبی و خونی شامل آنهاست.

محمد جواد اکبرین در مورد این فتاوی یوسف صانعی می‌گوید: «آیت‌الله صانعی هم در چارچوب فقه به معنی رایج و مصطلحش مشکل را حل نکرده است. به نظر آیت‌الله صانعی، اولاً پذیرفتن فرزند مصداق نیکویی و احسان است که در قرآن به آن دستور داده شده است اما این‌که این نیکویی و احسان را در حق خودت و کودکی انجام بدهی، او را به فرزندی قبول کنی و هم زمان او را از آثار حقوقی‌اش محروم کنی، این مصداق عسر و حرج است. یعنی مشقتی سنگین‌تر از تحمل آن کودک، بر او تحمیل می‌کند. تحمل این شرایط که کودک بزرگ‌تر شود و به او گفته شود: چون ما پدر و مادر واقعی تو نیستیم، پس تو نامحرمی و از حقوقی که دیگر فرزندان از آن برخوردار هستند، نمی‌توانی برخوردار شوی. این مشقت فوق طاق آن فرزند خوانده است و چون آیه شش سوره

مائده تاکید می‌کند که خدا نمی‌خواهد دچار مشقت و سختی‌ای بشوید که از طاقتتان بیشتر است، آیت‌الله صانعی فرزند خواندگی را هم جاز می‌داند و هم مشمول همه حقوقی می‌داند که فرزندان نسبی و ولادتی از آنها برخوردار هستند.

به عبارت دیگر آقای صانعی استناد عقلی دارد برای جواز و تجویز فرزند خواندگی. یعنی شما همه آنچه امروز در ستایش پذیرفتن سرپرستی فرزند در جهان جدید می‌بینید و ضررهای تبعیض میان فرزند خوانده و فرزندان عادی را می‌خوانید، همه را در نظر گرفته و فتوا داده در نتیجه فتوای روز آمد و براساس دریافت امروز انسان است.»

اما فتوای یوسف صانعی نیز منتقدانی دارد و او را متهم می‌کنند که فتاوی‌ای عقلی صادر کرده و نه شرعی.

محمدرضا مدرسی یزدی، از فقهای شورای نگهبان، در نقد این فتوای یوسف صانعی **گفته است**^۲: «آیا ما خود را سرباز امام زمان عجل‌الله فرجه بدانیم و در حوزه آن حضرت باشیم و ببینیم این چنین به احکام الهی تعرض شود و باز سکوت کنیم؟ چگونه ساکت باشیم و ببینیم فتوا بدهند و به آن افتخار هم بکنند که: فرزند خوانده محرم می‌شود، و وقتی محرم شد و پدر و مادر جعلی حکم پدر و مادر حقیقی یافتند قهراً ارث هم می‌برد و تمام احکام فرزندی هم بر آن مترتب می‌شود. علاوه بر آن چه رسماً در سایت‌های مربوط به آن‌ها آمده و به عنوان جواب استفتا نقل شده است شخصی نقل کرد که با دفتر پاسخگویی او تماس گرفته شد، گفتند: "اگر فرزند خوانده فقط مدتی در منزل انسان بماند، همین حکم جاری می‌شود" در سایت این گونه اعمال را نیکی و احسان به دیگران و مستحب دانسته است، ما ندیدیم حتی اهل قیاس و استحسان هم چنین فتاوی‌ای داده باشند، چگونه می‌توانید به خودتان جرأت و جسارت بدهید که با قرآن کریم - آن هم نه یک آیه بلکه چندین آیه قرآن - در افتید و بر خلاف این تعداد آیات قرآن فتوا بدهید.» محمد جواد اکبرین در پاسخ به این نقد می‌گوید: «اتفاقاً این انتقاد و این که هیچ یک از فقیهان از این منظر به موضوع فرزند خواندگی نگاه نمی‌کنند به این معناست که تمام ادعایی که فقها دارند و می‌گویند منابع احکام فقهی ما عبارت است از باید کتاب، سنت، اجماع و عقل باشد، در عمل هیچ جایگاهی برای منبع چهارم یعنی عقل قائل نیستند. اگر فقه ما به همان اندازه که به کتاب و سنت و اجماع اهمیت می‌دهد، برای عقل هم ارزش قائل بود، می‌توانست به جایی برسد که آیت‌الله صانعی رسیده است. اگر آنها هم مانند آیت‌الله صانعی نگاهی عقلایی به موضوع فرزند خواندگی داشتند، اکنون در جمهوری اسلامی هم فرزند خواندگان می‌توانستند از حقوقی مانند همه فرزندان نسبی برخوردار باشند.»

دیگر از طریق ارگان‌ها یا مقامات ذیصلاح انجام شود.» در بند ب این ماده بر فرزندخواندگی بین‌المللی تأکید شده است که کودک خارجی قبول شده برای فرزندخواندگی باید از همان شرایط برابر فرزندخواندگی ملی (کشور مقصد) بهره‌مند شود.

در این میان اسناد بین‌المللی دیگری نیز برای جلوگیری از تبدیل نهاد سرپرستی به ابزاری برای خرید و فروش کودکان، قراردادهایی تکمیلی برای منع بردگی و برده فروشی پیش‌بینی کرده است. این قراردادها در سپتامبر ۱۹۵۶ در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو به امضا رسیده‌اند. ایران نیز به موجب ماده واحده قانون مربوط به الحاق ایران به قرارداد تکمیلی مذکور، مصوب سال ۱۳۳۷ به این قرارداد پیوسته است.

البته ریشه این اسناد را باید در اسناد بین‌المللی و کنوانسیون ۲۹ می ۱۹۹۳ در مورد حمایت از کودکان و همکاری در زمینه فرزندخواندگی بین‌المللی جستجو کرد که توسط کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی در لاهه در ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا اعلام و بعد از یک سال ایران به آن ملحق شد.

پروتکل اختیاری حقوق کودک در خصوص فروش فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، مصوب ۲۰۰۰/۹/۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تلاشی دیگر در عرصه‌ی حمایت از کودکان، به خصوص کودکان بی‌سرپرست و فرزندخواندگان بود که ایران در سال ۱۳۸۶ به آن ملحق شده است. در این پروتکل، توافقات غیرارادی و نامناسب به منظور فرزندخواندگی کودک که با نقض اسناد بین‌المللی همراه است رد می‌شود.

در کنوانسیون فرزندخواندگی^۱ میان‌کشوری ۱۹۹۳ لاهه، مقررات مهمی درباره لزوم هماهنگی فرهنگی و نژادی میان والدین و فرزند خوانده وجود دارد. ماده ۱۶ این کنوانسیون کشور مبدأ توجه کامل در زمینه تربیتی، قومیتی، مذهبی و فرهنگی را ملزم کرده تا بر مبنای گزارش‌های مربوط به کودک و پدرخوانده و مادرخوانده آینده وی مشخص شود که آیا جایگزینی مورد نظر منطبق با منافع عالی کودک هست یا خیر؟

ماده ۳۰ کنوانسیون لاهه ۱۹۹۳، اشاره‌ای به فرزندخواندگی میان‌کشوری نیز دارد: «نمایندگان دول متعهد باید اطمینان حاصل نمایند که اطلاعات موجود در اختیار آنان در خصوص اصالت کودک و بالاخص اطلاعات مربوط به هویت والدین او و هم چنین سوابق پزشکی مورد حفاظت قرار گرفته است.»

1. https://jilq.ut.ac.ir/article_20202_370dff83813a4788a3596bf29e4299a4.pdf
2. <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text/?cid=69>



فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می‌دانند، باید منافع عالی کودک را در اولویت قرار داده و نکات زیر را مراعات کنند.

الف- تضمین این که فرزندخواندگی فقط از سوی مقامات ذیصلاحی انجام می‌شود که مطابق با قوانین و مقررات لازم‌الاجرا و براساس اطلاعات موثق و قابل اطمینان تعیین می‌کنند که فرزندخواندگی با توجه به وضعیت وی در ارتباط با والدین، خویشاوندان و قیم قانونی مجاز است و در صورت مقتضی رضایت اشخاص فوق را برای فرزندخواندگی براساس مقررات لازمه کسب می‌کنند.

ب- تضمین این که در صورتی که کودک را نتوان به روشی مناسب در کشور خود تحت سرپرستی یک خانواده درآورد، فرزندخواندگی در سایر کشورها به عنوان راه حلی دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج- تضمین برخورداری کودکانی که در سایر کشورها پذیرفته می‌شوند از مراقبت‌ها و حقوقی که به هنگام فرزندخواندگی در کشور خود، شامل حال آنان می‌شود.

د- اتخاذ تمام اقدامات لازم جهت تضمین این که قبول کودک در سایر کشورها برای افراد مربوطه متضمن منافع مالی نباشد. هدر صورت لزوم، پیشبرد اهداف ماده حاضر از طریق انعقاد قراردادها یا اتخاذ ترتیبات دو یا چند جانبه و تلاش در این چارچوب برای تضمین این که پذیرش کودک در یک کشور

فرزند خواندگی در کنوانسیون حقوق کودک

با این همه کنوانسیون حقوق کودک فرزندخواندگی را در حد کامل آن پذیرفته است. این امر باعث شده است که کشورهای اسلامی همچون مصر و ایران که نهاد فرزندخواندگی را به این صورت قبول ندارند عکس‌العمل‌هایی نشان دهند و در واقع حق شرط‌هایی بر آن وارد کنند.

مثلاً جمهوری اسلامی ایران به این طریق شروطی برای امضا گذاشت و حق تحفظ برای خود در نظر گرفت: «... نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی می‌باشد اعلام حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلام نماید.»

کشور مصر نیز نهاد فرزندخواندگی را به این دلیل که در شریعت اسلامی این چنین نهادی وجود ندارد، نپذیرفت.

در ماده ۲۰ این کنوانسیون آمده است: «کودک نباید به طور موقت یا دائم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد. * کشورهای طرف کنوانسیون می‌بایست طبق قوانین ملی خود مراقبت‌های جایگزین دیگری را برای این گونه کودکان تضمین نمایند.»

* این گونه مراقبت‌ها شامل موارد زیادی می‌شود، از جمله تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی و یا در صورت لزوم اعزام کودک به مؤسسات مناسب مراقبت از کودکان باشد. به هنگام بررسی راه‌حل‌ها باید به استمرار مطلوب در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک توجه خاص شود.»

ماده ۲۱ این کنوانسیون بر مسئولیت کشورها در تضمین منافع کودک تأکید کرده است: «کشورهایی که سیستم

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>

کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک یا پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، را می‌توان اصلی‌ترین سند بین‌المللی در مورد حقوق کودکان در جهان دانست، سندی که کشورهای امضاکننده آن را موظف می‌کند تا قوانین داخلی خود را بر مبنای آن تنظیم کنند. با این همه برخی از کشورها با رعایت شروطی به آن می‌پیوندند از جمله ایران که در مواردی از جمله فرزندخواندگی محدودیت‌هایی را در پیوستن به این کنوانسیون در نظر گرفته است.

در مقدمه این سند بین‌المللی، خانواده به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان در نظر گرفته شده و تأکید شده که خانواده باید از حمایت‌ها و مساعدت‌های لازمه به نحوی برخوردار شود که بتواند مسئولیت‌های خود را در جامعه ایفا کند.

بنا به بند ۶ پیش‌گفتار این پیمان‌نامه: «کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایستی در محیط خانواده و در فضای (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود.» همچنین بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بنا را بر این قرار می‌دهد که «[کودک] از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرار گرفتن تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است.»

کنوانسیون جهانی حقوق کودک به روشنی حق حضانت فرزند را در درجه اول در اختیار والدین قرار می‌دهد و همان‌طور که گفته شد، به کودک نیز این حق را می‌دهد توسط والدین نگهداری شود.

در همین رابطه ماده ۱ بند ۹ پیمان‌نامه گفته است: «کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌کنند که کودکان علیرغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند.»

ایرادهای حقوق بشری قانون سرپرستی کودکان در ایران



احسان حسین زاده

با توجه به تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست در سال ۱۳۹۲ و با لحاظ این مساله که روابط فرزندخواندگی در فقه اسلام و نیز قوانین جاری ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است، بررسی این موضوع از منظر حقوق بشر ضروری به نظر می‌رسد. در این نوشته به بررسی مباحثی از جمله اطاله روند اعطای سرپرستی فرزند، دخالت مقام‌های غیرمرتبط در روند سرپرستی، فقدان نظارت کافی، نبود خدمات روان‌شناسی خاص برای حل بحران‌های این رابطه و در نهایت موارد حقوقی فنی نظیر ارث و یا فسخ رابطه فرزندخواندگی می‌پردازیم.

تفاوت ماهیت فرزندخواندگی در حقوق ایران

در اصطلاح حقوقی فرزندخواندگی یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزندگی صوری میان دو شخص می‌شود که یکی را فرزند خواه و دیگری را فرزند خوانده می‌نامند، رابطه مزبور را نیز فرزندخواندگی می‌خوانند.^{۱۱} اما تفاوت اساسی که حقوق ایران با حقوق کشورهای غربی در موضوع فرزندخواندگی دارد این است که اصولاً حقوق ایران که در موضوعات خانوادگی برگرفته از فقه اسلام است، فرزندخواندگی را به رسمیت نمی‌شناسد. استناد فقها در این رابطه آیات ۴ و ۵ سوره احزاب است که مقرر می‌دارد: «خداوند فرزندخواندگان شما را فرزندانتان قرار نداده است این گفته شما به زبان‌هایتان است و خدا به حق سخن می‌گوید و به راه

«سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد».

این ماده به وضوح ریشه فقهی این قانون را مشخص می‌کند؛ به نحوی که دیگر به این رابطه نمی‌توان رابطه فرزندخواندگی اطلاق نمود بلکه چنان که قانون مشخص می‌کند، رابطه‌ای ناشی از سرپرستی است که مآذون از رهبر جامعه اسلامی است! امری که ماهیت این رابطه را به ضرر کودکان دگرگون کرده است.

حق سرپرستی فقط برای اتباع ایران!

بر اساس قانون جدید، حق به سرپرستی گرفتن کودکان برای متقاضیان غیر ایرانی شناسایی نشده است. بر اساس ماده ۳ و ۴ این قانون، تنها اتباع ایران و ایرانیان مقیم خارج از کشور امکان تقاضای سرپرستی کودکان را دارند. ماده قانونی که خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد چرا که در شرایط بد اقتصادی کشور که سازمان بهزیستی با مشکلات فراوان مالی زیادی مواجه است^{۱۵}؛ اعطای سرپرستی کودکان بی سرپرست به متقاضیان خارجی دارای صلاحیت، می‌توانست هم بار مالی زیادی از روی دوش این سازمان بردارد و

راست هدایت می‌کنند. پسر خوانده‌ها را به پدران‌شان نسبت دهید که نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر است».^{۱۲}

آنچه به تبع حقوق اسلام به قوانین ایران وارد شده، بحث سرپرستی است و نه فرزندخواندگی. بنابراین بر اساس قوانین ایران، آنچه بین کودک و افراد نگهداری کننده از کودک ایجاد می‌شود، رابطه‌ای شبیه فرزندخواندگی نیست بلکه رابطه سرپرستی است و دقیقاً به همین دلیل است که قواعدی چون جواز ازدواج کودک و افراد قبول کننده سرپرستی در حقوق ایران وجود دارد.

آنچه پایه رابطه فرزندخواندگی شمرده می‌شود، برقراری رابطه عشق و مهر و محبت بین پدرخوانده یا مادرخوانده با فرزند خوانده است که برقراری چنین رابطه‌ای، ریشه در شبیه‌سازی رابطه پدر-مادر-فرزندی دارد.^{۱۳} ازدواج سرپرست با فرزندخوانده بشدت با ماهیت چنین رابطه‌ای در تعارض است.

فرزندخواندگی به اذن مقام رهبری!

بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست^{۱۴} اعطای سرپرستی هر کودکی به متقاضیان بر اساس اذن ولی فقیه انجام می‌شود. ماده یک این قانون مقرر می‌دارد:



هم کودکان زیادی به آغوش خانواده‌های با صلاحیت سپرده شوند اما متأسفانه ممنوعیت واگذاری سرپرستی به اتباع خارجی این امکان را از میان برداشته است.

محرومیت زنان و دختران از سرپرستی کودکان پسر

از دیگر محدودیت‌های نادرستی که در این قانون وجود دارد و حاکی از تبعیض‌آمیز بودن آن علیه زنان است؛ محرومیت زنان و دختران از درخواست سرپرستی کودکان پسر است. بدین معنی که دختران و یا زنانی که همسری ندارند، نمی‌توانند تقاضای سرپرستی کودکان پسر اعلام آمادگی کنند و همین مساله نشان از نگاه جنسیتی و بدبینی قانونگذار به زنان است و احتمالاً به تبع از همین نگاه دینی که حضور زن و مرد تنها در یک فضای بسته گناه آلود انگاشته می‌شود^{۱۶} و از آنجا که از نگاه قانون این نوع از رابطه، رابطه فرزندخواندگی نیست و تنها نوعی از سرپرستی است، بنابراین قانونگذار اعطای سرپرستی کودکان پسر به زنان مجرد را خلاف موازین شرع دانسته است.

محرومیت جامعه ال‌جی‌بی‌تی از سرپرستی کودکان

برخلاف حقوق شناخته شده برای اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی در مورد فرزندخواندگی، در حقوق ایران چنین حقی برای آنها شناخته نشده است. اینکه دو زوج همجنس‌خواه (دو زن یا دو مرد) که باهم زندگی می‌کنند و عملاً امکان فرزندآوری برایشان میسر نیست، بتوانند درخواست اعطای فرزندخواندگی را از مقامات صالح نمایند، قطعاً یکی از حقوق شناخته شده برای زوجین همجنس‌خواه است که در قانون اخیر به رسمیت شناخته نشده است. البته باید اشاره کرد که پیش زمینه اعطای چنین حقی، به رسمیت شناختن حقوق همجنس‌خواهان است که در ایران این امر غیرقانونی است. در واقع ابتدا باید مقامات رسمی کشور، زندگی این دو فرد در کنار یکدیگر را به رسمیت بشناسند و در مرحله بعدی با اعطای سرپرستی کودک به آنها موافقت کنند که تا کنون هیچ کدام از این دو حق برایشان به رسمیت شناخته نشده است.

محرومیت پیروان ادیان غیر رسمی و خداناباوران از سرپرستی

ماده ۶ این قانون دو شرط دیگر را برای متقاضیان سرپرستی مقرر می‌دارد و آن اینکه اولاً متقاضیان به انجام واجبات و ترک محرمات تقید داشته باشند؛ دوم اینکه معتقد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشند. این قانون از دیگر موارد تبعیض بین شهروندان ایرانی است و در نتیجه این ماده قانونی، خداناباوران و پیروان سایر ادیان که توسط قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده اند، مورد تبعیض قرار

گرفته و نخواهند توانست کودکی را به سرپرستی قبول کنند؛ امری که بر خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری و همینطور اصل برابری شهروندان در جوامع دموکراتیک است.

ازدواج سرپرست با فرزندخوانده

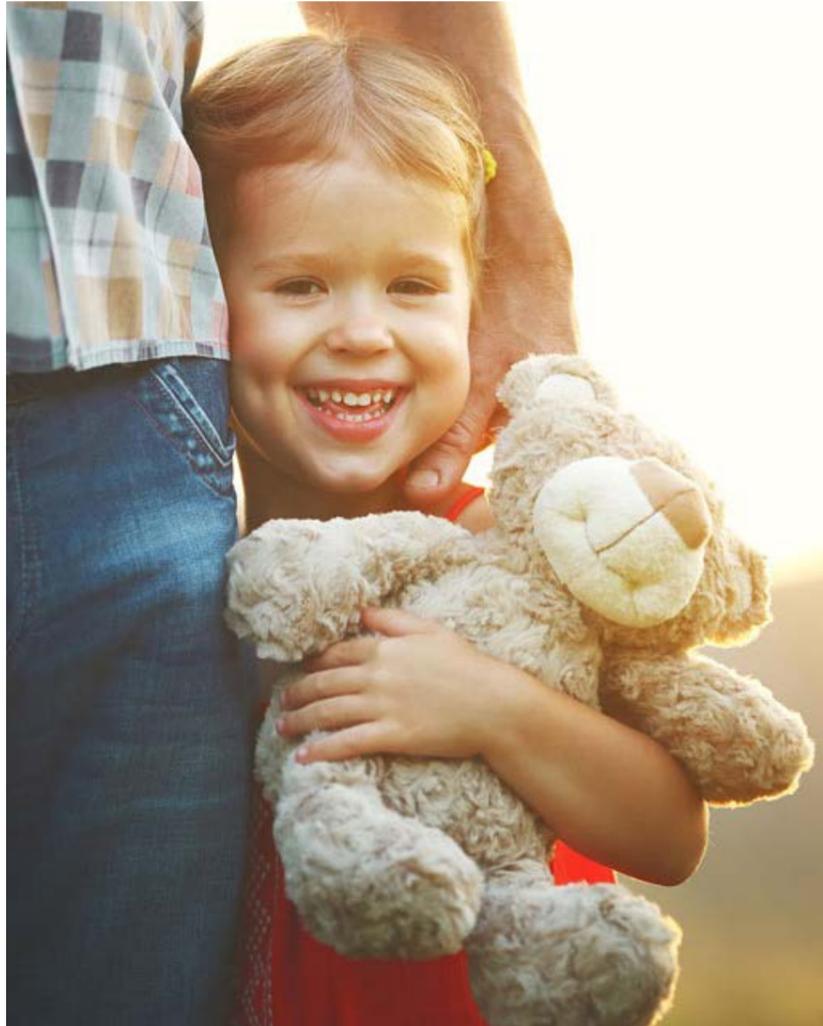
از دیگر مشکلات اساسی قانون سرپرستی کودکان در ایران، عدم ممنوعیت ازدواج سرپرست با کودک است. بر اساس شرع اسلام کودکان به محض رسیدن به سن بلوغ می‌توانند با احراز شرایطی ازدواج کنند. مشخص است که ماهیت رابطه فرزندخواندگی شبیه‌سازی رابطه پدرمادر-فرزند است، رابطه ای که بر مهر و محبت و احترام استوار است و نگاه جنسیتی به لحاظ وجود چنین رابطه‌ای نباید به رسمیت شناخته شود. اما متأسفانه بر اساس تبصره ماده ۲۶ این قانون، ازدواج بین سرپرست و فرزندخوانده می‌تواند با اجازه دادگاه در صورتی که به مصلحت او تشخیص داده شود، صورت گیرد. امری که برگرفته از احکام اسلام است چرا که بر اساس آیه ۲۳ سوره نسا که مورد استناد فقها در بیان انواع محارم است، فرزندخوانده جز هیچ کدام از محارم نیست^{۱۷} و بنابراین قانون چنین عملی را غیرمجاز نمی‌داند. معلوم نیست دادگاه اساساً برگه اساسی باید چنین مصلحتی^{۱۸} را تشخیص دهد؟ و چگونه فردی که در جایگاه پدر یا مادر فرزند خوانده بوده، چطور خواهد توانست رابطه‌ای بر پایه تساوی بین خود و همسر آینده‌اش برقرار نماید.

اطاله روند فرزندخواندگی و خرید و فروش نوزاد

در گزارشی^{۱۹} معاون امور اجتماعی بهزیستی یزد می‌گوید هر ساله بیش از پانصد مورد تقاضای فرزندخواندگی در شهر یزد ثبت می‌شود اما اداره بهزیستی تنها قادر به اعطای حدود پنجاه مورد فرزندخواندگی است که همین اطاله روند اعطای فرزندخواندگی به متقاضیان باعث افزایش خرید و فروش نوزاد در این استان شده است. در مصاحبه‌ای که با یکی از خانواده‌های قبول کننده سرپرستی یک کودک انجام شد، خانواده مصاحبه شونده روند ثبت تقاضا تا صدور حکم سرپرستی دایم را ۱۰ سال اعلام کردند، امری که بشدت برای این خانواده آزاردهنده بود. طوری که خانواده مذکور که علاقه‌مند به قبول سرپرستی دومین کودک بودند، به دلیل اطاله روند اعطای سرپرستی، از آن صرف‌نظر کردند. این مساله باید مورد توجه مقامات مسئول سازمان بهزیستی و همینطور قوه قضاییه جمهوری اسلامی قرار گیرد.

فقدان خدمات روانشناسی و نظارت

دو مشکل عمده که پس از مصاحبه با دو خانواده که کودکی را به فرزندی قبول کرده بودند، نمایان شد: اول مساله نبود خدمات روانشناسی مخصوص این خانواده‌ها است. با توجه به پیچیدگی



رابطه فرزندخواندگی و سنت‌های جامعه ایران ضرورت وجود روانشناس آشنا به مسائل این حوزه انکارناپذیر است اما متأسفانه چنین خدمات تخصصی در اختیار خانواده‌ها قرار نمی‌گیرد. مساله دوم مشکل نبود نظارت‌های بعد از واگذاری سرپرستی توسط نمایندگان سازمان بهزیستی که حتی در دوران سرپرستی آزمایشی نیز نظارت مناسبی وجود ندارد. به گفته یکی از مصاحبه شونده‌ها بعد از سپری شدن ۷ سال از قبول سرپرستی یک کودک پسر، نمایندگان سازمان بهزیستی تنها یک بار برای بررسی وضعیت کودک به خانه زوج قبول کننده سرپرستی مراجعه کرده‌اند. این مساله بسیار نگران کننده است. اهمیت این موضوع آنجا آشکار می‌شود که بر اساس گزارش‌ها^{۱۱۰} موارد اعمال خشونت بر فرزندخواندگان بسیار زیاد است و در صورتی که که نظارت مناسبی از سوی سازمان بهزیستی یا نماینده دادستان صورت نگیرد، این موارد خشونت و سوءاستفاده از کودکان متوقف نخواهد شد.

فسخ سرپرستی و بازگرداندن کودک به بهزیستی

طبق گزارش‌ها^{۱۱۱} موارد فسخ فرزندخواندگی در سال‌های اخیر

زیاد شده و این تعداد در برخی موارد تا ۲۵ درصد هم رسیده است. فسخ سرپرستی یا به بیان ساده‌تر پس دادن کودک باعث بروز فشارهای روانی جبران‌ناپذیری بر ذهن کودک می‌شود. حس دوست نداشتنی بودن، برگشتن به محیط شلوغ و اشتراکی، از دست دادن حریم خصوصی و بروز ناراحتی‌های روانی از جمله آسیب‌هایی است که به کودک وارد می‌آید و لازم است که قانون تمهیدات مناسبی در این باره اندیشیده باشد.

ماده ۲۵ قانون فوق‌الذکر سه مورد برای جواز فسخ رابطه سرپرستی اعلام می‌دارد که سو رفتار کودک یا نوجوان یکی از این موارد است. سوء رفتار در سن نوجوانی حتی برای فرزندان طبیعی هم عادی است و با لحاظ افزایش آمار فسخ بنظر می‌رسد قانون در این مورد کارایی لازم را ندارد که نیازمند اصلاح است.

کلام پایانی

در سازمان حقوق بشر ایران و در چارچوب مجله تخصصی حقوق ما، در هر شماره حوزه‌ای از مسائل حقوق بشر را بررسی می‌کنیم و پیشنهادات سازنده‌ای به قانونگذار و مقامات سیاسی - قضایی ایران ارائه می‌کنیم که اگر به کار بسته شوند قطعاً شاهد بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران خواهیم بود. این پیشنهادات با صرف وقت بسیار و در قالب مقالات علمی و مهم‌تر از همه، به صورت رایگان ارائه می‌شوند و ما امیدواریم پیشنهادات علمی کارشناسان مجله، توسط مقامات ایران به کار بسته شوند. در حوزه مسئله فرزندخواندگی نیز در این مقاله و سایر مطالب این شماره از مجله، پیشنهاداتی برای رفع تبعیض بین شهروندان، حفظ امنیت فرزندخواندگان و بهبود رابطه و روند فرزندخواندگی ارائه شد که امیدواریم در جهت بهبود مسائل این حوزه به کار بسته شوند.

^{۱۱۱} جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، چاپ چهاردهم، تهران، گنج دانش

^{۱۱۲} ارفع نیا بهشید، جرفی هادی، وضعیت حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران، مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین، فصلنامه حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۸، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در:

http://alr.jauctb.ac.ir/article_۵۲۵۱۲۷.html
^{۱۱۳} <https://www.notaires.fr/en/couple-family/adoption/conditions-adoption-france>

^{۱۱۴} <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۸۶۶۹۲۶>

^{۱۱۵} <https://www.isna.ir/news/۹۵۱۱۰۵۰۳۳۲۵/> -از-نظر-

مالی-بسیار-ضعیف-است

^{۱۱۶} لَا يَخْلُونَ زَجَلًا بِأُمَّرَأَةٍ وَلَا تُسَافِرْنَ أُمَّرَأَةً إِلَّا وَمَعَهَا مَخْرَمٌ
^{۱۱۷} علی آبادی امین، سیفی علمی یعقوب، بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره اول، بهار ۱۳۹۶

^{۱۱۸} http://jswhr.com/journals/jswhr/Vol_۳_No_۱_June_۲۰۱۵_۴.pdf

^{۱۱۹} درخواست-فرزند-خوانده-<https://www.dana.ir/news/۱۱۴۲۰۸۶.html>

در-یزد-هر-روز-بیشتر-از-دیروز-حراج-فرزند-در-خیابان-های-یزد

^{۱۱۱۰} <http://www.khanehnam.org/archives/۲۷۴۳۱>

^{۱۱۱۱} <http://www.salamatnews.com/news/۲۴۴۹۳۲/> -چالش-<http://www.salamatnews.com/news/۲۴۴۹۳۲/>

ناپذیر-فرزندخواندگی-<http://www.salamatnews.com/news/۲۴۴۹۳۲/> -اجتناب

فرزند خواندگی در قوانین ایران

فرزندخواندگی یک رابطه حقوقی است که بر اثر پذیرفته شدن طفلی به عنوان فرزند، از جانب زن و مردی به وجود می‌آید؛ بدون آنکه پذیرندگان طفل، پدر و مادر واقعی او باشند. در زبان حقوقی، فرزند به کسی گفته می‌شود که از نسل دیگری باشد و بین آنها رابطه خونی و طبیعی وجود داشته و بین پدر و مادر او جز در موارد استثنایی رابطه زوجیت ایجاد شده باشد. ممکن است زن و شوهری فرزند غیر را به فرزند بی‌پذیرند که در این صورت قانون‌گذار چنین کودکی را در حکم فرزند این خانواده به شمار می‌آورد و آثاری برای این رابطه حقوقی می‌شناسد.

بنا به تعریف سازمان بهزیستی، فرزندخواندگی عبارت است از اعطای سرپرستی کودکان بدون سرپرست شناخته شده تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به خانواده‌های متقاضی که واجدالشرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی سرپرست باشند.

تفاوت حقوقی فرزند واقعی و فرزندخوانده در این است که پیوند موجود بین فرزند حقیقی و پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنها هرگز از بین نخواهد رفت، ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادر خوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده، بسته به سیاست قانون‌گذار ممکن است رابطه حقوقی موجود را باطل کند.

اسدالله امامی^۱، استاد دانشگاه تهران معتقد است: «نهاد فرزندخواندگی علاوه بر فوایدی که برای فرزندخوانده دارد،

1. <https://bit.ly/2KpLKhB>

خانواده خود هستند، خصوصیات و شرایط طفل بی‌سرپرست، نحوه واگذاری طفل، مرجع صالح واگذاری طفل به خانواده، آثار حقوقی این نهاد و روابط متقابل کودک با زن و شوهر سرپرست پیش‌بینی شده‌بود.

رئوف سیاری، پژوهشگر دکترای حقوق خصوصی، در مورد قوانین در مورد فرزند خواندگی در حقوق ایران می‌نویسد: «از یک سو با توجه به نیاز مبرم جامعه به حمایت از اطفال بدون سرپرست در اسفند ۱۳۵۳ با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی، بخصوص کشور فرانسه که در مواد ۳۴۳ الی ۳۷۰ شرایط آن آمده، قانون فرزندخواندگی به تصویب رسید؛ اما چون پس از انقلاب اسلامی، قانون کشور ما برگرفته از فقه شیعه بوده و اسلام فرزندخواندگی را به صورتی که در نظام حقوقی فرانسه متداول است، مجاز نمی‌شناسد، در نتیجه نام آن را «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست» گذاردند که در ۱۷ ماده تصویب شد که با تصویب این قانون تا حدی این

ناصر کاتوزیان، اخلاق حسنه و نظم عمومی

را مانع پذیرش رابطه زن و شوهری کسانی

دانسته که در حکم پدر و فرزند بوده‌اند و در

اوراق خود نیز با همین نام به جامعه معرفی

می‌شوند

بدسرپرست^۱، در راستای آسان‌تر شدن فرآیند فرزندخواندگی تصویب شد.

براساس ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، امور مربوط به سرپرستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست بر عهده سازمان بهزیستی قرار داده شده است. براساس **دستورالعمل**^۲ تعیین شده، کودکانی که فرزند سپرده خواهند شد که والدین یا جد پدری آنها، شناخته شده نباشد. از طرف دیگر این کودکان باید تحت سرپرستی سازمان بهزیستی قرار گرفته باشند، به عبارتی قبل از سپردن کودکان به فرزند این کودکان باید از طریق مراجع قضایی در اختیار سازمان بهزیستی قرار گیرند و مهمتر اینکه این کودکان باید به خانواده‌هایی سپرده شوند که قانون تعیین کرده است.

نوآوری در قانون

آن گونه که رئوف سیاری نوشته است: «تغییر نام قانون و

نقیصه قانون مدنی را رفع کرد و به انتظام بخشی روابط موجود پرداخت. در حالی که نهاد «سرپرستی و فرزندخواندگی» دو مقوله مستقل از هم هستند و آثار متفاوتی بر آنها از حیث حقوقی و قانونی حاکم است. با وجود این، قانونگذار ایران با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی بخصوص، کشور فرانسه قانونی را در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ در ۱۷ ماده به تصویب رساند و از آنجا که حقوق ایران در بخش مربوط به خانواده، ارث و نکاح برگرفته از فقه امامیه بود؛ هرگز نهادی مانند فرزندخواندگی که در نظام‌های حقوق غربی رایج است، مجاز شناخته نشد و برای آن نام حمایت از کودکان بی‌سرپرست را برگزید و در پی آن نیز در سال ۱۳۹۲، مورد بازنگری قرار گرفته است.»

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، مصوب ۱۳۵۳ بعد از قریب به ۴۰ سال در مهر ماه ۱۳۹۲ نسخ شد و **قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و**

اضافه شدن واژه «بدسرپرست» به آن گامی رو به جلو از حیث قانونگذاری بوده است. زیرا در برخی مواقع، «کودک بدسرپرست» وضعیت نابسامان تری نسبت به «کودک بی‌سرپرست» دارد و این کودکان با اینکه در ظاهر پدر و مادر دارند، اما در عمل، پدر و مادری که صلاحیت نگهداری کودکان را داشته باشد، ندارند و از لحاظ بهداشت روانی در وضعیت بدی هستند و جای آن دارد که از کودک بدسرپرست که والدینش توانایی و شایستگی کافی و وافی برای اجرای وظایف شان را ندارند، حمایت کامل صورت گیرد. مطابق ماده ۱۰ قانون جدید در همه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را ولو، با ضم امین یا ناظر نداشته باشند، دادگاه می‌تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد (۱۱۸۴) و (۱۱۸۷) قانون مدنی و با اخذ نظر مشورتی سازمان، مسئولیت قیم

1. <https://bit.ly/2KoBXsj>

2. <http://dolat.ir/detail/265403>

برای استحکام بخشیدن اساس خانواده و از بین بردن ناهنجاری‌های آشکار و پنهان زن و شوهری که از داشتن فرزند واقعی محروم مانده‌اند بسیار کارساز است و زن و شوهری که فاقد فرزند هستند، ولی با عشق و علاقه، زندگی مشترک را ادامه می‌دهند، از طریق پذیرش کودکی در خانواده خود، غم پنهانی این محرومیت را به فراموشی می‌سپزند یا از سنگینی و فشار آن می‌کاهند و طفل بیگناه حاصل از عوامل طبیعی یا غیرطبیعی همانند فرزند واقعی در پناه این خانواده به نحو مطلوب رشد کرده وارد جامعه می‌شود؛ بنابراین فرزندخواندگی در سالم‌سازی خانواده و ایجاد روح تازه و رونق بیشتر به زندگی زناشویی، کمک مؤثری خواهد کرد و به تجربه ثابت شده است که چنان رابطه عاطفی عمیقی بین فرزندخوانده و پدر و مادر خوانده ایجاد خواهد شد که فاصله بین فرزند واقعی و ظاهری بکلی محو می‌گردد و زن و شوهر فراموش می‌کنند که طفل مزبور فرزند واقعی آنها نیست؛ لذا علاقه‌مندان به داشتن فرزند می‌توانند این کمبود را به طریق فرزندخواندگی جبران و سعادت کانون زناشویی را تکمیل نمایند.»

در مطلب «فقه شیعه و چالش بر سر فرزند خواندگی» در همین مجله، به طور کامل به این موضوع که فرزندخواندگی در نهاد اسلام پذیرفته نیست بحث کرده‌ایم با همه این موانع و مشکلات قانونی اما قانون‌گذاران در ایران توانستند در اسفند ماه ۱۳۵۳ «**قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست**»^۲ را به تصویب برسانند. در این قانون ضوابطی در زمینه خصوصیات و شرایط زن و مردی که مایل به پذیرش طفل بی‌سرپرست در

2. <https://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=174>

از ثبت آن، محض امکان ازدواج افراد فوق، اگر چه منوط به مصلحت‌سنجی دادگاه و تحت شرایط خاص باشد، نشان از عدم شناسایی محرمیت میان آن‌ها دارد و این همان چیزی است که با هدف مورد نظر فرزندخواندگی (سرپرستی)، یعنی ایجاد محیطی شبیه به خانواده طبیعی، منافات داشته و منشاء حاکم شدن نگاه جنسی بر فضای روابط افراد است. به هر حال این مقرره مخالف با مواد ۱۰۱۹، ۲۱ و ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک است که ایران در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است.»

احمد رضوانی مفرد و **مژده ظفری**^۱ نیز در مقاله **تحول در نظام حقوقی حمایت از کودکان بدون سرپرست** ازدواج فرزند خوانده با والدینش را مخالف با کنوانسیون حقوق کودک که بر مبنای آن هرگونه سوءاستفاده جنسی از کودک ممنوع دانسته شده می‌دانند و نوشته‌اند: «تجویز ازدواج سرپرست با فرزندخوانده مبنای سوءاستفاده جنسی از کودک را فراهم کرده و مخالف آن و نیز مخالف با قانون اساسی است زیرا براساس این قانون هیچ‌کس نمی‌تواند حق خود را وسیله اضرار بر دیگری قرار دهد.»

ناصر کاتوزیان، حقوقدان نیز در کتاب **حقوق مدنی خانواده**^۲، اخلاق حسنه و نظم عمومی را مانع پذیرش رابطه زن و شوهری کسانی دانسته که در حکم پدر و فرزند بوده‌اند و در اوراق خود نیز با همین نام به جامعه معرفی می‌شوند.

با این همه در ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست آمده است: «هرگاه سرپرست درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد مورد نظر را به دادگاه صالح اعلام نماید. در صورت وقوع ازدواج، سازمان مکلف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام تا با حصول شرایط این قانون، نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک و یا فسخ آن اتخاذ تصمیم نماید.»

تبصره - ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.» کارشناسان از جمله احمد رضوانی مفرد، مژده مظفری تبصره این ماده را نقضی بر کل قانون می‌دانند و می‌نویسند این تبصره با هدف قانون مذکور که در ماده یک مبنی بر تامین نیازهای مادی و معنوی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست است، تعارض دارد.



قانون نموده و هدف تأسیس فضایی شبیه به خانواده طبیعی فرد را، با اجازه بروز میل جنسی مغایر دانسته‌اند. بنابراین، اگر چه در قانون تصریح نشده بود، اما دست کم در رابطه میان کودک و سرپرستان قایل به وجود حرمت شده‌اند. اما قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، مصوب ۱۳۹۲، دست به ابتکاری جدید زده است و اصولاً ازدواج سرپرست و فرزند خوانده را ممنوع اعلام کرده است؛ مگر با اجازه دادگاه. بدین شکل وضعیت نکاح میان سرپرست و شخص تحت سرپرستی را شبیه به وضعیت ازدواج زنان ایرانی با مردان اتباع خارجی می‌سازد. اما این ابتکار بر خلاف آن چه در ظاهر به نظر می‌رسد، گامی رو به عقب و در جهت نفی رابطه محرمیت میان شخص تحت سرپرستی با سرپرستان است؛ صرف نظر از این که ضمانت اجرای حقوقی اجازه دادگاه را عدم نفوذ نکاح تعبیر نماییم یا صرفاً ممانعت

یا امین مذکور در این مواد را به یکی از درخواست‌کنندگان سرپرستی واگذار کند.»

روف سیاری از دیگر اجازه اخذ سرپرستی به زنان مجرد تحت شرایط مشخص را نوآوری دیگر این قانون می‌داند. به گفته او «این امر، بدان جهت اهمیت دارد که امروزه، خانم‌های مجردی در جامعه زندگی می‌کنند و صلاحیت تقاضای فرزندخواندگی را از هر جهت دارند. افراد مزبور، گاه به سبب اوضاع و احوال موجود ناشی از بی‌علاقگی به ازدواج یا مطلقه و بیوه بودن آنها و نیز نبود امکان یا تمایل به ازدواج مجدد، مایل به سرپرستی کودکی یا کودکانی می‌شوند.»

بند ج ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ عنوان می‌دارد: «دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل ۳۰ سال سن داشته باشند، منحصراً حق سرپرستی دختران را خواهند داشت.»

در حالی که در فقه شیعه، فرزندخوانده شامل ارث نمی‌شود اما در قانون جدید حمایت‌های مالی مانند بیمه، تملیک اموال و برخورداری از حق مستمری سرپرست در جهت حفظ منافع کودک مشمول سرپرستی در نظر گرفته شده است. براساس ماده ۱۴ این قانون، تملک بخشی از اموال متقاضیان سرپرستی به نفع فرزندخوانده در یکی از دفاتر اسناد رسمی، بیمه کردن عمر متقاضیان سرپرستی نزد یک شرکت بیمه سهامی ایران به نفع آینده کودک و به هر نحو که دادگاه صلاح بداند، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده، سهمی برای فرزندخوانده در نظر گرفته شود، از جمله، «جایگزین‌های ارث» هستند.

رئوف سیاری از دیگر نوآوری‌های قانون مزبور را افزایش سن فرزندخوانده از ۱۲ سال به ۱۶ سال می‌داند و می‌نویسد: «گرچه، سن فرزندخواندگی در حقوق کشورهای دیگر مانند انگلیس تا ۱۸ سال است. با توجه به این امر که هر چه سن فرزندخوانده بیشتر شود، اصولاً، شکل آنان تکمیل می‌شود و شاید نتوانند با خیلی از مسائل به خوبی کنار بیایند در مقام اجرا این مقرره می‌تواند ایجاد مشکل کند. ایراد وارده بر قانون ایران در موردی که کودک بالای سن ۷ سال باشد و اصولاً، ممیز به شمار می‌رود؛ موضوع جلب رضایت و عدم رضایت فرزند پذیر است که می‌تواند؛ آثاری سوء داشته باشد. همان‌طور که متخصصان امر کودک نیز بدرستی بیان داشته‌اند؛ بهترین سن برای پذیرش سرپرستی کودک، همان زیر ۲ سال است که کودک بخوبی می‌تواند با سرپرست انس پیدا کند و به عبارتی، خمیرمایه او شکل نگرفته است.»

1. <https://bit.ly/3505xgY>
 2. http://clk.journals.pnu.ac.ir/article_2691_865b1699b5fe68aebcc64a40b81f7701.pdf
 3. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9643252618>

1. <https://iranhr.net/fa/articles/3040/>



قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست

مصوب ۳۱ شهریور ۱۳۹۲

ماده ۱- سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان، با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد.

ماده ۲- امور مربوط به سرپرستی کودکان و نوجوانان بی سرپرست، با سازمان بهزیستی کشور است که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود.

ماده ۳- کلیه اتباع ایرانی مقیم ایران می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را با رعایت مقررات مندرج در آن و با حکم دادگاه صالح بر عهده گیرند.

ماده ۴- ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند تقاضای سرپرستی خود را از طریق سفارتخانه یا دفاتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران به سازمان تقدیم نمایند. سفارتخانه‌ها و یا دفاتر یاد شده موظفند در اجرای این قانون، با سازمان همکاری نمایند و سازمان موظف است با حکم دادگاه صالح به درخواست متقاضی رسیدگی نماید.

ماده ۵- افراد زیر می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را از سازمان درخواست نمایند.

الف - زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته باشد و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به این که حداقل یکی از آنان بیش از سی سال سن داشته باشد.

ب - زن و شوهر دارای فرزند مشروط بر این که حداقل یکی از آنان

بیش از سی سال سن داشته باشد.

ج - دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل سی سال سن داشته باشند، منحصراً حق سرپرستی انان را خواهند داشت.

تبصره ۱- چنانچه به تشخیص سازمان پزشکی قانونی امکان بچه دار شدن زوجین وجود نداشته باشد، درخواست کنندگان از شرط مدت پنج سال مقرر در بند (الف) این ماده مستثنی می‌باشند.

تبصره ۲- چنانچه درخواست کنندگان سرپرستی از بستگان کودک یا نوجوان باشند، دادگاه با اخذ نظر سازمان و با رعایت مصلحت کودک و نوجوان می‌تواند آنان را از برخی شرایط مقرر در این ماده مستثنی نماید.

تبصره ۳- اولویت در پذیرش سرپرستی به ترتیب با زن و شوهر بدون فرزند، سپس زنان و دختران بدون شوهر فاقد فرزند و در نهایت زن و شوهر دارای فرزند است.

تبصره ۴- درخواست کنندگان کمتر از پنجاه سال سن، نسبت به درخواست کنندگانی که پنجاه سال و بیشتر دارند، در شرایط مساوی اولویت دارند.

تبصره ۵- در مواردی که زن و شوهر درخواست کننده سرپرستی باشند، درخواست باید به طور مشترک از طرف آنان تنظیم و ارائه گردد.

ماده ۶- درخواست کنندگان سرپرستی باید دارای شرایط زیر باشند:

الف - تقید به انجام واجبات و ترک محرمات

ب - عدم محکومیت جزائی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون

مجازات اسلامی

ج - تمکن مالی

د - عدم حجر

هـ - سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی

و - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل

ز - صلاحیت اخلاقی

ح - عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر و یا صعب‌العلاج

ط - اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تبصره ۱- رعایت اشتراکات دینی میان سرپرست و افراد تحت سرپرستی الزامی است. دادگاه صالح با رعایت مصلحت کودک و نوجوان غیرمسلمان، سرپرستی وی را به درخواست کنندگان مسلمان می‌سپارد.

تبصره ۲- در صورتی که متقاضی سرپرستی، ادعای یافتن طفلی را بنماید و ادعای وی در دادگاه ثابت شود، چنانچه واجد شرایط مندرج در این قانون برای سرپرستی باشد در اولویت واگذاری سرپرستی قرار می‌گیرد.

ماده ۷- درخواست کنندگان نمی‌توانند بیش از دو کودک یا نوجوان را سرپرستی نمایند مگر در مواردی که کودکان یا نوجوانان تحت سرپرستی، اعضای یک خانواده باشند.

ماده ۸- سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط ذیل باشند:

الف - امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد.

ب - پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.

ج - افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیتدار به سازمان سپرده گردیده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنان مراجعه ننموده باشند.

د - هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود.

تبصره ۱- چنانچه پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان و وصی منصوب از سوی ولی قهری مراجعه کنند، دادگاه در صورتی که آنان را واجد صلاحیت لازم ولو با ضم امین یا ناظر تشخیص دهد و مفسده مهمی نیز کودک یا نوجوان را تهدید نکند؛ با اخذ نظر سازمان با رعایت حق حضانت مادر و تقدم آن نسبت به استرداد آنان حکم صادر می‌کند در غیر این صورت حکم سرپرستی ابقاء می‌شود.

تبصره ۲- در صورت وجود اقارب طبقه دوم و تقاضای هر یک از آنان و وجود شرایط، سرپرستی به وی واگذار می‌شود و در صورت



ماده ۱۵- درخواست کننده منحصر یا درخواست کنندگان سرپرستی باید متعهد گردند که تمامی هزینه های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی را تأمین نمایند. این حکم حتی پس از فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان نیز تا تعیین سرپرست جدید، برای کودک یا نوجوان جاری می باشد. بدین منظور سرپرست منحصر یا سرپرستان، موظفند با نظر سازمان خود را نزد یکی از شرکتهای بیمه به نفع کودک یا نوجوان تحت سرپرستی بیمه عمر کنند.

تبصره - در صورتی که دادگاه تشخیص دهد اعطای سرپرستی بدون اجرای مفاد این ماده به مصلحت کودک یا نوجوان می باشد به صدور حکم سرپرستی اقدام می کند.

تعدد تقاضا و یکسانی شرایط متقاضیان، سرپرست با قرعه انتخاب می گردد. در صورت نبود اقارب طبقه دوم بین اقارب طبقه سوم بدین نحو عمل می شود.

ماده ۹- کلیه کودکان و نوجوانان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده (۸) این قانون باشند، مشمول مفاد این قانون می گردند.

ماده ۱۰- در کلیه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر نداشته باشند، دادگاه می تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد (۱۱۸۴) و (۱۱۸۷) قانون مدنی و با اخذ نظر مشورتی سازمان، مسؤولیت قیم یا امین مذکور در این مواد را به یکی از درخواست کنندگان سرپرستی واگذار نماید.

ماده ۱۱- تقاضانامه درخواست کنندگان سرپرستی باید به سازمان ارائه گردد و سازمان مکلف است حداکثر پس از دو ماه نسبت به اعلام نظر کارشناسی آن را به دادگاه صالح تقدیم دارد. دادگاه با احراز شرایط مقرر در این قانون و با لحاظ نظریه سازمان، نسبت به صدور قرار سرپرستی آزمایشی ششماهه اقدام می نماید. قرار صادره به دادستان، متقاضی و سازمان ابلاغ می گردد.

ماده ۱۲- دادگاه می تواند در دوره سرپرستی آزمایشی، در صورت زوال و یا عدم تحقق هر یک از شرایط مقرر در این قانون به تقاضای دادستان و یا سرپرست منحصر یا سرپرستان کودک یا نوجوان و با اطلاع قبلی سازمان و همچنین با تقاضای سازمان قرار صادره را فسخ نماید.

ماده ۱۳- پس از پایان دوره سرپرستی آزمایشی، دادگاه با لحاظ نظر سازمان و با رعایت مفاد مواد (۱۴) و (۱۵) این قانون، اقدام به صدور حکم سرپرستی و ابلاغ آن به اشخاص مذکور در ماده (۱۱) می نماید.

ماده ۱۴- دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر می نماید که درخواست کننده سرپرستی بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند. تشخیص نوع و میزان مال یا حقوق مزبور با دادگاه است. در مواردی که دادگاه تشخیص دهد اخذ تضمین عینی از درخواست کننده ممکن یا به مصلحت نیست و سرپرستی کودک یا نوجوان ضرورت داشته باشد، دستور اخذ تعهد کتبی به تملیک بخشی از اموال یا حقوق در آینده را صادر و پس از قبول درخواست کننده و انجام دستور، حکم سرپرستی صادر می کند.

تبصره - در صورتی که دادگاه تشخیص دهد اعطای سرپرستی بدون اجرای مفاد این ماده به مصلحت کودک یا نوجوان می باشد، به صدور حکم سرپرستی اقدام می نماید.

مستمری که به موجب قانون به کودک یا نوجوان تعلق گرفته یا می گیرد، نمی شود.

ماده ۱۹- در صورت فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان که مشمول یکی از صندوقهای بازنشستگی بوده اند، افراد تحت سرپرستی در حکم افراد تحت تکفل متوفی محسوب گردیده و تا تعیین سرپرست جدید از مزایای مستمری وظیفه بازماندگان برخوردار خواهند شد.

ماده ۲۰- در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هر یک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آنان، دادگاه می تواند با درخواست سازمان و با رعایت مفاد این قانون، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار نماید. رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است.

ماده ۲۱- شخصی که سرپرستی افراد تحت حمایت این قانون را بر عهده می گیرد از مزایای حمایتی حق اولاد و مرخصی دوره مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره زایمان) بهره مند می باشد. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز از مجموعه مزایای بیمه و بیمه های تکمیلی وفق مقررات قانونی برخوردار خواهد شد.

ماده ۲۲- پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید.

تبصره ۱- اداره ثبت احوال مکلف است سوابق هویت و نسبت واقعی طفل را در پرونده وی حفظ نماید.

تبصره ۲- کودک یا نوجوان تحت سرپرستی می تواند پس از رسیدن به سن هجده سالگی، صدور شناسنامه جدیدی را برای خود با درج نام والدین واقعی در صورت معلوم بودن، یا نام خانوادگی مورد نظر وی، در صورت معلوم نبودن نام والدین واقعی، از اداره ثبت احوال درخواست نماید.

تبصره ۳- اجرای این ماده به موجب آیین نامه ای است که به وسیله سازمان ثبت احوال کشور و با همکاری سازمان تهیه می شود و ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۲۳- صدور گذرنامه و خروج کودک یا نوجوان تحت سرپرستی از کشور منوط به موافقت سرپرست منحصر یا سرپرستان و

ماده ۱۶- اموالی که در مالکیت صغیر تحت سرپرستی قرار دارد در صورتی اداره آن به سرپرست موضوع این قانون سپرده می شود که طفل فاقد ولی قهری باشد و یا ولی قهری وی برای اداره اموال او شخصی را تعیین نکرده باشد و مرجع صالح قضائی قیمومت طفل را بر عهده سرپرست قرار داده باشد.

ماده ۱۷- تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه، با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است. کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند.

ماده ۱۸- صدور حکم سرپرستی، به هیچ وجه موجب قطع پرداخت

